خبر

شیرخام همچنان بالاتر از نرخ مصوب

■ **خبرگزاری‌ها:** مشاور مدیرعامل صنایع شیر ایران گفت: با وجود تصویب قیمت ۹۳۰ تومانی شیر خام، هنوز کارخانه‌های لبنی شیر را بالاتر از یک‌هزار تومان خریداری می‌کنند. حسین چمنی اظهار داشت: علوفه به‌وفور و با قیمت متعادل در بازار وجود دارد به طوری که کنجاله سویا به کیلویی یک‌هزار و صدتومان کاهش یافته است. مشاور مدیرعامل صنایع شیر ایران افزود: همچنین قیمت‌گذاری جدید شیر خام حاشیه سود ۱۵ الی ۱۷درصدی برای دامدار دارد. وی افزود: اما با وجود تسهیلات مناسبی که بعد از مصوبه جدید شیر خام برای دامداران به وجود آمده است هنوز همکاری لازم برای کاهش قیمت صورت نگرفته است. چمنی تصریح کرد: امیدواریم با همکاری دامداران در اجرای مصوبه شیر خام شاهد کاهش قیمت در بازار باشیم. به گزارش فارس، کارخانه‌های لبنی هفته گذشته گزارش مالی سال ۹۰ و اسناد مثبته اقلام بهای تمام شده سال ۹۱ و هزینه‌ها را به سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برای تعیین نرخ شیر ارایه کردند. قرار بود روز گذشته قیمت شیر برای مصرف‌کننده تعیین شود که هنوز اعلام نشده است.

شیر دو نرخی شد

همچنین دبیر انجمن صنفی تولیدکنندگان فرآورده‌های لبنی ایران ضمن اعلام قیمت‌های مصوب شیرخام در جلسه ستاد تنظیم بازار، از دو نرخی شدن این محصول از دیروز (سه‌شنبه) خبر داد. به گزارش مهر رضا باکری درباره قیمت نهایی محصولات لبنی اظهار داشت: بر اساس تصمیمی که روز گذشته در جلسه ستاد تنظیم بازار اتخاذ شده، قیمت هرکیلوگرم شیرخام با داشتن بار میکروبی یک‌میلیون و چربی ۳/۲درصد درحدود ۷۷۰ تومان و قیمت هرکیلوگرم شیرخام با داشتن بارمیکروبی یک‌صدهزار و چربی ۳/۲درصد در حدود ۹۰۰ تومان تعیین شده است. وی اضافه کرد: البته با احتساب کرایه حمل ۳۰ تومانی این محصول از در دامداری تا در کارخانه قیمت هرکیلوگرم شیرخام با داشتن بار میکروبی یک‌میلیون و چربی ۳/۲درصد درحدود ۸۰۰ تومان و قیمت هرکیلوگرم شیرخام با داشتن بار میکروبی یک‌صدهزار و چربی ۳/۲درصد در حدود ۹۳۰ تومان محاسبه می‌شود.

ادامه از صفحه اول

شاخه زیتون احمدی‌نژاد برای آمریکا

اگر این اتفاق می‌افتاد در آن صورت آقای احمدی‌نژاد به دولت جدید آمریکا پیشنهاد مذاکره بر سر افغانستان نمی‌داد. همچنین در خصوص مساله هسته‌ای هم پیشنهاد مذاکرات دوجانبه نمی‌داد. در مورد افغانستان آمریکایی‌ها مشکل دارند، اما اولا مشکلات و مسایل‌شان حاد نیست. از کمتر از دو سال دیگر خروج آمریکایی‌ها از افغانستان شروع می‌شود، همچنان که در عراق اتفاق افتاد. البته طالبان به هیچ روی در افغانستان تضعیف نشده‌اند، اما این مشکل خود افغان‌هاست نه آمریکایی‌ها. اما فرض بگیریم که حق با آقای احمدی‌نژاد است و افغانستان مهم‌ترین مشکل و مساله سیاست خارجی آمریکا باشد، سوال اساسی آن است که ایران چه کمکی می‌تواند در از بین بردن طالبان افغانستان کند؟ رهبری «طالبان» و «القاعده» در افغانستان کدام تبعیت را از ما دارند؟ ما چه نفوذی بر پشتون‌ها و سایر اقوام افغانستان داریم؟ اگر هم افغانستان معضل آمریکایی‌ها باشد، چه کاری از دست ایران برمی‌آید برای رفع آن معضل؟ پیشنهاد آقای احمدی‌نژاد در خصوص مذاکرات دوجانبه مستقیم با آمریکا از پیشنهاد مذاکره مستقیم بر سر افغانستان هم غیرواقع‌بینانه‌تر است. اولا اگر آمریکایی‌ها اعتقادی هم به مذاکرات مستقیم با ایران بر سر مساله هسته‌ای‌مان داشته باشند، بدون هماهنگی با ۱+۵ و متحدان مهم آن کشور تن به چنین مذاکراتی نخواهند داد، نه به دلیل آنکه آمریکایی‌ها خیلی پایبند به اخلاق هستند، خیر. به علت اینکه مساله هسته‌ای برای ما یک مساله اساسی شده است. برای آمریکایی‌ها این‌گونه نیست. ثانیا از دید آمریکایی‌ها حل مساله هسته‌ای ایران خیلی نیاز به مذاکرات پیچیده و مفصل نه با ۱+۵ دارد و نه با خود آمریکایی‌ها به صورت مستقیم. آنها مدعی‌اند ایران همواره خواهان نابودی اسراییل است. بنابراین بخش‌هایی از فعالیت‌های هسته‌ای ما که به ادعای غرب می‌تواند بالقوه ما را قادر کند که تسلیحات هسته‌ای تولید کنیم، باید متوقف شوند. اگر اعضای تیم مذاکره‌کننده ایران با آمریکایی‌ها هم مستقیما وارد مذاکره شوند، خواسته آمریکایی‌ها تغییری نخواهد کرد: متوقف شدن بخش‌هایی از فعالیت‌های هسته‌ای ما که آنان مدعی هستند ایران را قادر می‌کند که هرگاه اراده کند، بتواند به فاصله چند ماه تا یک سال سلاح هسته‌ای تولید کند. با توجه به اینکه ایران هیچ‌گاه حاضر نشده تن به این خواسته بدهد، عملا مذاکرات مستقیم هم حاصلی به بار نخواهد آورد.

ثالثا اگر دردم یکی بودی چه بودی! مساله هسته‌ای صرفا یکی از مناقشات ما با واشنگتن است. ما یک دوجین مساله و مشکل با آمریکایی‌ها داریم که هسته‌ای صرفا یکی از آنهاست. آنها ادعا می‌کنند ما در عراق، سوریه، خلیج‌فارس، لبنان و فلسطین با آمریکا مشکل داریم.

عکس: Gettyimages

چرا برخی مدیران اقتصادی از سقوط ارزش ریال حمایت می‌کنند؟

تولید زیر سایه نوسانات قیمت‌ها

نجمه نوربخش: نیمه اول سال ۹۱ در حالی رو به پایان است که اقتصاد کشور شرایط خاصی را تجربه می‌کند؛ شرایطی که عوامل بسیاری در به وجودآمدنش نقش داشته‌اند و برای گذر از آن باید تدابیر ویژه‌ای اندیشید؛ تدابیری به دور از هرگونه وابستگی جناحی و سیاسی. حوزه اقتصاد حوزه‌ای است که برای پیشرفت و رشد در آن یا برون‌رفت از مسایل‌اش باید فاکتورهای زیادی را در نظر گرفت و ارتباط و در هم تنیدگی آنها را با هم به خوبی شناخت وگرنه نگاه سطحی و عاری از دوراندیشی، خسارت و مشکلات گاه جبران‌ناپذیری را بر پیکره اقتصاد کشور وارد می‌کند که شاید در کوتاه‌مدت به مثابه مسکنی باشد اما باعث می‌شود عمق و ریشه درد شناسایی نشود.

در این گزارش تلاش می‌شود از طریق بررسی چند شاخص و فاکتور مهم اقتصادی و نرخ برخی کالاهای اساسی و مقایسه آن با چند کشور دیگر تا حدودی به وضعیت اقتصادی کشور پی ببریم و آثار آن را بر وضع معیشتی مردم شناسایی کنیم.

در سال‌های اخیر با توجه به خشکسالی‌های گسترده و کاهش شدید تولید ذرت در ایالات متحده آمریکا و روسیه، دو کشور عمده تولیدکننده غلات و علوفه جهان، کاهش تولید محصولات کشاورزی در سطح جهانی به علت تغییرات آب و هوایی، سونامی ژاپن، تحولات خاورمیانه و افزایش جهانی قیمت نفت، قیمت کالاها در جهان دستخوش تغییر شد و بحران‌های اقتصادی را تشدید کرد. آمار و اطلاعات انتشار یافته از قیمت کالاهای اساسی توسط بانک جهانی نشان می‌دهند در سال جاری طی ماه‌های ژوئیه تا ژوئن، قیمت ذرت در بازارهای جهانی از ۲۶۷/۳ دلار در هر تن به ۳۳۳/۱ دلار، قیمت سویا از ۵۶۷ دلار در هر تن به ۶۶۲ دلار و قیمت گندم نیز از ۲۷۶/۲دلار در هر تن به ۳۵۴/۷ دلار افزایش یافته‌اند.

تاثیر این افزایش قیمت‌های جهانی در کشوری مانند ایران که با تحریم‌های گسترده دست به گریبان است نمود بیشتری دارد. این تحریم‌ها علاوه بر آنکه ارزش پول را در مقابل دلار به شدت کاهش داده باعث ناامن شدن فضای اقتصادی کشور نیز شده است، فضایی که مانع از جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی در بخش تولید کالا و خدمات می‌شود و رشد تولید ناخالص داخلی کشور را به شکل نامطلوبی متاثر می‌کند. تولیدکننده ایرانی برای ادامه حیات تولیدی خود علاوه بر همه مشکلات ساختاری موجود در اقتصاد ایران مانند نظام توزیع نابسامان، افزایش بهای انرژی، مشکلات نظام بانکی و مالیاتی، بوروکراسی‌های اداری و... حال باید با پیامدهای تحریم نیز دست و پنجه نرم کند؛ شرایطی که گاه و بیگاه به تعطیلی یا کاهش حجم فعالیت بنگاه‌ها می‌انجامد به طوری که سرمایه‌گذاران و صاحبان بنگاه‌ها تصمیم می‌گیرند برای حفظ ارزش دارایی‌های خود آن را در بخش‌های دیگری مانند ارز، طلا یا مسکن سرمایه‌گذاری کنند. هزینه‌های این کاهش تولید موجب افزایش بیکاری و همچنین سوق‌دهی بازارهای کشور به سمت تامین کالاها از طریق واردات می‌شود و در بلندمدت، کاهش ظرفیت‌های تولید را در کشور به دنبال دارد؛ نتیجه‌ای که آمارها نیز آن را به خوبی نشان می‌دهند. بانک جهانی رشد تولید ناخالص داخلی ایران را در سال ۲۰۰۹، ۱/۸ و در سال ۲۰۰۸، ۲/۳درصد اعلام کرده است؛ شاخصی که به گزارش سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در سال ۲۰۱۱، ۲/۵درصد، در سال ۲۰۱۰، ۳/۲درصد و در سال ۲۰۰۹، ۳/۵درصد بوده است. هرچند بانک مرکزی اعلام کرده نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۸۹ به ۵/۸درصد و در شش ماهه اول سال ۹۰ به ۴/۲درصد رسیده و مرکز آمار ایران نیز رقم ۶/۵درصد را برای سال ۸۹ منتشر کرده است. اما آنچه از همه این گزارش‌ها برمی‌آید روند رو به کاهش سطح تولیدات داخلی در کشور است.

در زیر برخی شاخص‌های مهم و قیمت برخی کالاها را در کشورهای مختلف با هم مقایسه می‌کنیم. البته در ادبیات اقتصادی همیشه افزایش اندک در نرخ تورم و پایین بودن ارزش پول ملی در مقابل دلار هم بد نیست. نرخ پایین تورم به بنگاه‌های تولیدی این امکان را می‌دهد که بتوانند تولیدات خود را با قیمت بالاتری به فروش برسانند و درآمد حاصل از آن را صرف سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر کنند. همچنین پایین بودن ارزش پول ملی در مقابل دلار، قیمت کالاها را در بازار جهانی نسبت به سایر کشورها ارزان‌تر می‌کند و قدرت رقابت آن را در مقابل کالاهای رقیب می‌افزاید؛ شرایطی که در کشور چین حکمفرماست. این کشور با در اختیار داشتن نیروی کار فراوان و ارزان و پایین نگه‌داشتن ارزش پول ملی‌اش در مقابل دلار توانسته کالاهای خود را در بازار جهانی به قیمت پایینی به فروش برساند و GDP خود را در سطح بالایی حفظ کند. براساس همین استدلال است که برخی از مسوولان افزایش نرخ دلار را اقدامی مثبت ارزیابی می‌کنند چراکه در این شرایط قیمت کالاهای داخلی در مقابل کالاهای خارجی کاهش یافته و توان تولیدی بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد و در نتیجه اشتغال بیشتری ایجاد خواهد شد! استدلالی که در شرایط موجود و عدم وجود زیرساخت‌های مناسب بعید به نظر می‌رسد چراکه اگر این توان تولیدی وجود داشت در این مدتی که با کاهش ارزش ریال مواجه هستیم باید افزایش فعالیت تولیدی بنگاه‌ها را به خصوص در زمینه کالاهای مصرفی اساسی شاهد می‌بودیم و این در حالی است که گاه با مشکلات مرغی و گوشتی هم روبه‌رو می‌شویم. بنابراین دلیل حمایت از سقوط ارزش ریال را باید در جایی دیگر جست‌وجو کرد. در واقع با کاهش ارزش ریال، درآمدهای ارزی دولت ارزش ریالی بیشتری پیدا می‌کنند؛ مثلا اگر دولت در هر ماه برای پرداخت یارانه نقدی لازم بود ماهانه ۲/۵ میلیارد دلار ارز بفروشد، هم اکنون تنها لازم است ۱/۳۶ میلیارد دلار بفروشد، به معنای دیگر درآمد و ذخیره ارزی بیشتری خواهد داشت.

مقایسه مورد به مورد قیمت کالاها و درآمد افراد در موقعیت‌های شغلی مشابه بین ایران و سایر کشورها موید نکاتی است که در بالا به آنها اشاره شد. در زیر قیمت برخی از کالاهای اساسی در بین چهار کشور ایران، ترکیه، مالزی و آمریکا مقایسه شده است.

در حالی که درآمد افراد در شرایط کاری مشابه در این کشورها نسبت به ایران بیشتر است (مثلا در سال ۲۰۱۲، حداقل حقوق ماهانه در ترکیه ۸۸۶/۵۰ لیر (۴۹۰ دلار) و در آمریکا با توجه به متفاوت بودن آن در ایالت‌های مختلف به طور متوسط ۱۳۰۰ دلار در ماه است. در مالزی این رقم ۹۰۰ رینگت (۲۸۱/۶۰ دلار) در هر ماه و در ایران ۳۹۸۰۰۰ تومان (به نرخ دلار ۲۴۰۰ تومان می‌شود، ۱۶۶ دلار است). اما مقایسه قیمت کالاها در چهار کشور ذکر شده نشان می‌دهد قیمت‌ها در ایران در اغلب موارد بالاتر است، هرچند قسمتی از این تفاوت قیمت به میزان عرضه و تقاضای یک کالا در یک کشور بستگی دارد. مثلا در آمریکا برنج غذای اصلی نیست و تقاضا برای آن کمتر است، در حالی که در ایران تقاضا برای برنج بیشتر است و از آنجایی که تولیدات داخلی جوابگوی نیاز بازار نیست در نهایت قیمت بالاتری خواهد داشت. در آمریکا گوشت گوساله غذای اصلی مردم به حساب می‌آید و تولید داخلی آن هم زیاد است که به کاهش قیمت آن می‌انجامد. دلیل دیگری که می‌توان برای بالاتر بودن قیمت کالاها در ایران برشمرد، عدم توسعه کشاورزی در ایران است. صنعت کشاورزی در ایران اغلب به شکل سنتی خود اداره می‌شود و از علوم و فناوری‌های روز دنیا بهره چندانی نبرده، مزیت‌های منطقه‌ای خود را به خوبی شناسایی نکرده و در مقابل تغییرات آب و هوایی به شدت آسیب‌پذیر است. همچنین واحدهای صنایع تبدیلی مناسب وجود ندارند، فعالان این بخش با مشکل فروش کالاهای خود و تامین منابع مالی مورد نیاز مواجهند. در کشور کمبود بارندگی و منابع آبی وجود دارد در حالی که اغلب محصولات کشاورزی تولیدشده به آب فراوان نیازمندند. اینها مواردی است که صنعت کشاورزی کشور را به شدت تهدید می‌کند و دلایل اصلی بی‌ثباتی بازار کالاهای کشاورزی را رقم می‌زند. مثلا در میان قشر کارگری و کارمندی که درآمد ماهانه ثابت دارند در همین چندماه اخیر ارزش حقوق‌شان در مقابل دلار تا ۵۰درصد کاهش یافته است که نتیجه آن چیزی جز حذف برخی از کالاهای اساسی مانند انواع لبنیات، حبوبات، گوشت قرمز و گوشت سفید و بسیاری از انواع میوه‌ها، از سبد غذایی آنها نیست که در نهایت به کاهش شاخص‌های سلامت آنها نیز می‌انجامد. در میان گروه‌های خوراکی بررسی شده از سوی بانک مرکزی، بیشترین افزایش قیمت نسبت به سال گذشته را دسته سبزی‌های تازه با رشد ۸۱ درصدی تجربه کرده است و در رده‌های بعدی، حبوبات و گوشت مرغ با افزایش‌های به ترتیب ۵۴ و ۵۰ درصدی قرار داشته‌اند. در میان سایر گروه‌های خوراکی، گروه لبنیات نیز نسبت به سال گذشته ۴۴درصد افزایش قیمت را تجربه کرده است. در دسته برنج، برنج داخلی درجه دو با ۳۴ درصد رشد قیمت، بیشترین افزایش قیمتی را به چشم دیده و در نهایت در دسته گوشت قرمز، گوشت گاو یا گوساله بی‌استخوان با رشد ۴۸ درصدی رکورددار افزایش قیمت بوده است.

اما در میان تمام کالاهای اساسی که از سوی بانک مرکزی ارایه شده است (لبنیات، تخم‌مرغ، برنج حبوبات، میوه‌های تازه، سبزی‌های تازه، گوشت قرمز، گوشت مرغ، قندوشکر، چای و روغن نباتی و زیرمجموعه‌هایشان) تنها تخم‌مرغ و سیب‌زمینی بوده‌اند که نسبت به سال گذشته کاهش قیمت داشته‌اند که البته کاهش قیمت سیب‌زمینی هم به دلیل مشکلات به وجود آمده بر سر تنظیم بازار و محدودیت‌های وضع‌شده برای صادرات سیب‌زمینی به بازارهای همسایه بوده که همین امر زیان فراوانی را به کشاورزان سیب‌زمینی‌کار تحمیل کرده است و آنها نیز برای جلوگیری از زیان بیشتر ناشی از خراب‌شدن محموله‌های خود، محصولات‌شان را با قیمت‌های پایین‌تری به فروش رسانده‌اند.

اما به راستی چه نسخه‌ای برای اقتصاد می‌توان پیچید. راه‌حل‌های بلندمدت، کوتاه‌مدت و میان‌مدت آن کدامند؟

ایران (تومان)	ترکیه (دلار)	آمریکا (دلار)	مالزی (دلار)
برنج ایرانی ۱۰ کیلویی ۵۵۰۰۰-۲۶۰۰۰	گوشت پر چرب- کیلویی ۱۰/۵۵	گوجه هر کیلو ۰/۴۵	پرتقال: هر عدد ۰/۴۸
برنج خارجی ۱۰ کیلویی ۲۶۵۰۰-۱۰۰۰۰	گوشت نیم‌چرب- کیلویی ۱۲/۷	مرغ هر کیلو ۰/۵۴ تا ۰/۹۴	سیب: هر کیلو ۰/۷۸
گوشت مرغ کیلویی ۵۲۰۰	گوشت گوسفندی- کیلویی ۱۷/۲	گوشت گاو (گوساله) کیلویی ۲/۷ تا ۴	گوجه‌فرنگی: هر کیلو ۰/۸۹
گوشت گوساله هر کیلو ۱۹۰۰۰	مرغ- کیلویی ۲/۷- ۱/۶۶	گوشت گوسفند کیلویی ۳/۶ تا ۵/۴	ماهی درجه یک: کیلویی ۱
گوشت گوسفند هر کیلو ۲۸۰۰۰	ماست- ۰/۶ تا ۱/۶۶	شیر هر لیتر ۰/۲۶ تا ۰/۳۶	گوشت بره بی‌استخوان: کیلویی ۰/۹۵
۱۲ عدد تخم‌مرغ ۳۰۰۰	شیر- ۰/۶ تا ۱/۱	برنج هر کیلو ۰/۸ تا ۰/۸۵	گوشت گوساله بی‌استخوان: کیلویی ۰/۳۴
شیر یک لیتری از ۱۵۰۰ به بالا	۱۲ عدد تخم‌مرغ- ۱/۶	برنج ایرانی هر کیلو ۲/۰۴	مرغ کامل: هر عدد ۱
پیاز یک کیلوگرم ۱۰۰۰- ۸۰۰	سیب- کیلویی ۱/۶۶	پیاز هر کیلو در حدود یک	تخم‌مرغ ۳۰ عدد: ۰/۵۵
سیب‌زمینی هر کیلو ۵۰۰	پرتقال- کیلویی ۱/۶۶	سیب‌زمینی هر کیلو ۰/۱۸ تا ۰/۴۵	برنج ۱۰ کیلویی درجه یک: ۳/۵
گوجه‌فرنگی هر کیلو ۸۰۰- ۶۵۰	گوجه فرنگی- کیلویی ۱/۶۶	روغن مایع یک لیتر حدود ۰/۷۵	برنج ۱۰ کیلویی درجه دو: ۲/۱
رب گوجه ۲۱۰۰	پیاز- کیلویی ۰/۵۵	-	روغن سرخ‌کردنی پنج لیتری: ۱
روغن مایع ۹۰۰ گرمی ۲۸۰۰	سیب‌زمینی- کیلویی ۰/۵۵	-	رب گوجه: ۰/۷۵

رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)

کشورها	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
ایران	۲/۳	۱/۸	-	-
عراق	۹/۵	۴/۲	۰/۸	۹/۹
بحرین	۶/۳	۳/۱	۴/۵	-
آذربایجان	۱۰/۸	۹/۳	۵/۰	۱/۰
عمان	۱۲/۸	۱/۱	۴/۰	۵/۵
پاکستان	۱/۶	۳/۶	۴/۱	۲/۴
قطر	۱۷/۷	۱۲/۰	۱۶/۶	۱۸/۸
عربستان	۴/۲	۰/۱	۴/۶	۶/۸
ترکیه	۰/۷	-۴/۸	۹/۲	۸/۵
یمن	۳/۶	۳/۹	۷/۷	-۱۰/۵
ژاپن	-۱/۰	-۵/۵	۴/۴	-۰/۷
چین	۹/۶	۹/۲	۱۰/۴	۹/۱
فرانسه	-۰/۱	-۳/۱	۱/۷	۱/۷
آمریکا	-۰/۴	-۳/۵	۳/۰	۱/۷
مالزی	۴/۸	-۱/۶	۷/۲	۵/۱

CPI (شاخص قیمتی مصرف‌کننده سالانه)

کشورها	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
ایران	۱۶۴/۷	۱۸۷/۰	۲۰۵/۹	۲۴۸/۴
عراق	۱۵۵/۲	۱۶۵/۹	۱۷۰/۷	-
بحرین	۱۰۹/۰	۱۱۲/۱	۱۱۴/۳	۱۱۳/۹
آذربایجان	۱۵۲/۶	۱۵۸۴/۸	۱۶۳/۵	۱۷۶/۲
عمان	۱۲۲/۶	۱۲۷/۴	۱۳۱/۵	۱۳۶/۸
پاکستان	۱۳۹/۷	۱۵۸/۷	۱۸۰/۸	۲۰۲/۲
قطر	۱۴۶/۴	۱۳۹/۳	۱۳۵/۹	۱۳۸/۵
عربستان	۱۱۷	۱۲۲/۹	۱۲۹/۵	۱۳۶
ترکیه	۱۳۲/۷	۱۴۱	۱۵۳/۱	۱۶۳
یمن	۱۴۲/۲	۱۵۰	۱۶۶/۸	۱۹۴/۱
ژاپن	۱۰۱/۷	۱۰۰/۲	۹۹/۶	۹۹/۳
چین	۱۱۲/۵	۱۱۱/۷	۱۱۵/۴	۱۲۱/۷
فرانسه	۱۰۶/۱	۱۰۶/۲	۱۰۷/۸	۱۱۰/۱
آمریکا	۱۱۰/۲	۱۰۹/۹	۱۱۱/۷	۱۱۵/۲
مالزی	۱۱۱/۵	۱۱۲/۱	۱۱۴	۱۱۷/۶

سال پایه ۱۰۰=۲۰۰۵

نرخ تورم بر حسب CPI

کشورها	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
ایران	۲۵/۵	۱۳/۵	۱۰/۱	۲۰/۶
عراق	۱۲/۷	۶/۹	۲/۹	-
بحرین	۱/۶	۲/۴	۲/۶	۲/۰
آذربایجان	۲/۲	۶/۷	۹/۷	۸/۴
عمان	۱۲/۱	۳/۹	۳/۲	۴/۱
پاکستان	۲۰/۲	۱۳/۶	۱۳/۹	۱۱/۹
قطر	۱۵/۱	-۴/۹	-۲/۴	۱/۹
عربستان	۹/۹	۵/۱	۵/۲	۵/۰
ترکیه	۱۰/۴	۶/۲	۸/۶	۶/۵
یمن	۱۹/۰	۵/۴	۱۱/۲	۱۶/۴
ژاپن	۱/۴	-۱/۳	-۰/۷	-۰/۳
چین	۱/۲	۳/۹	۱/۸	۱/۵
فرانسه	۲/۱	۲/۱	۱/۷	۱/۷
آمریکا	۳/۸	-۰/۴	۱/۶	۳/۲
مالزی	۵/۴	۰/۶	۱/۷	۳/۲

گذر

لاریجانی در جمع دانشجویان:

طبق آمار رسمی کشور نرخ واقعی تورم ۲۹درصد است

■ **ایلنا:** رییس قوه‌مقننه گفت: طبق آمار رسمی کشور آمار تورم ۲۹درصد است ولی در برخی از مواقع شاهد بالا رفتن این تورم نیز بوده‌ایم. علی لاریجانی در جمع دانشجویان گفت: از نظر اقتصادی کشورمان دچار چالش است. باوجود تهدیدهای غرب پیشرفت‌های مناسبی در کشور صورت گرفته است و در حوزه فناوری حرکت‌های خوبی انجام شده است اما به صراحت می‌گوییم که در حوزه استفاده از نخبگان دانشگاهی و فرهیختگان در کشور با مشکلاتی مواجهیم. وی چالش‌های اقتصادی را معلول شرایط ایران دانست و اضافه کرد: ما در مسایل داخلی خیلی با مشکلات مواجه نیستیم اما یک نگاه واقع‌بینانه نشان می‌دهد که چالش‌هایی داریم که یکی از آنها رشد نقدینگی از ۶۵هزارمیلیارد به ۴۰۰هزارمیلیارد رسیده است. رییس مجلس شورای اسلامی گفت: رشد صنعت و تولید کشاورزی باید در کشور افزایش بیابد و اگر بخواهیم با همین برنامه کنونی که دنبال می‌کنیم در کشور حرکت کنیم؛ قطعا رکود حرکت تورم سیال می‌شود و یک روز این تورم به سمت طلا و ارز و روز دیگر به سمت کالاهای دیگر حرکت می‌کند. لاریجانی نرخ بیکاری کشور را بالای ۱۴درصد عنوان کرد و گفت: برای علاج این واقعه باید توجه ویژه به دستاوردهای علمی و دانشگاهی داشته باشیم. وی در ادامه افزود: امروزه تورم با آمار رسمی ۲۹درصد می‌باشد و در برخی از مواقع نیز نرخ، بالاتر از حد اعلام آمار رسمی است و ما باید در این زمینه نیز توجه جدی داشته باشیم. رییس قوه‌مقننه در ادامه یادآور شد: از نظر GPB کشور حرکت خوبی داشته و ضریب GPB تغییرات نیز مثبت بوده است اما باید بگوییم که یکی از چالش‌های اقتصادی کشور، عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌هایی است که برای صنعت و تولیدکننده گرفته می‌شود. وی در ادامه افزود: در همه کشورهای توسعه‌یافته که وضعیت دولت آنها کوچک‌تر از دولت ایران است اقتصاد در دست مردم قرار دارد اما در ایران با توجه به فربه بودن دولت، اقتصاد دولتی است یا اینکه شبه دولتی اما پس از اجرای اصل ۴۴ که باید اقتصاد کشور به بخش‌های خصوصی واگذار شود در این زمینه بخش‌های دولتی درست واگذار نشده‌اند. رییس قوه‌مقننه خاطرنشان کرد: با توجه به نرخ بودجه اختصاص یافته به بخش تحقیقات و تولید، ارتباط نخبگان با بخش‌های تولیدی با توجه به نرخ بودجه تسهیلاتی بسیار پایین است و ما هنوز نتوانسته‌ایم دفاتری را ایجاد کنیم که بتوانند ارتباط دانشگاهیان با واحدهای تولیدی و صنعتی را برقرار کنند.

نوبت کالاهای اولویت ۶ تا ۱۰ برای دریافت ارز به‌زودی می‌رسد

■ **ایسنا:** معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: به محض اینکه مطمئن شویم ثبت سفارش اولویت‌های گروه یک تا پنج با هماهنگی سازمان توسعه تجارت، بانک‌های عامل و بانک مرکزی طبق روال انجام می‌شود، گروه‌های بعدی را برای گرفتن ارز اعلام خواهیم کرد. حمید صافدل در مرکز مبادله ارز اظهار کرد: در حال حاضر ارتباط کاری بین ما و ارباب رجوع و بانک‌های عامل در حال تعریف شدن و تبدیل شدن به یک روال است. بر همین اساس با توافقاتی که داشتیم، امروز ثبت سفارش برای گروه‌های چهار و پنج نیز انجام داده‌ایم و به محض اینکه مطمئن شویم این روال به خوبی انجام می‌شود، گروه‌های شش تا ۱۰ را نیز به ترتیب اعلام خواهیم کرد. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت خاطرنشان کرد: گروه‌های یک و دو نیز کماکان ارز مرجع دریافت می‌کنند و پس از ثبت سفارش به بانک‌های عامل معرفی خواهند شد تا ارز مرجع را دریافت کنند. وی درباره تغییر برخی از کالاها و گروه‌های آنها نیز گفت: در حال حاضر اولویت‌بندی کالاها و گروه‌ها مانند قبل است. البته ممکن است بعضی اولویت‌ها براساس نظر دستگاه‌های تخصصی تغییرات مختصری داشته باشد و ترجیح‌شان آن باشد که عرضه یک کالا از گروه بالاتر به گروه پایین‌تر یا برعکس انجام شود. صافدل گفت: این پیشنهاد یکی، دو دستگاه بوده است و اگر هم انجام شود بسیار محدود خواهد بود و درحال حاضر نیز نهایی نشده است، چراکه برای این تغییرات باید گروه‌های مختلفی نظر بدهند و هرگونه تغییر باید براساس دستورالعمل باشد.